

خوب جهان را ببین

قید مفعول نشانه مفعول فعل امر

خوب، جهان را ببین!



حرف شرط اگر اندیشات را به کارگیری تا فکر

بتوانی به راز آفرینش پی ببری، دلائلی

روشن به تو خواهند گفت که آفریننده

مورچه کوچک، همان آفریدگار درخت

بزرگ خاست. کوچک و بزرگ تضاد

از سگفتی‌های آفرینش خالق ترکیب اضافی

بی‌گمنا، اسرار پیچیده حکیمان در آفریدن

خفاشان است. روشنی روز که همه ترکیب وصفی

چیز را می‌کشاید، چشمانشان را می‌بندد؛ زبنا خفاش از حرکت در نور درخشان

ناتوان است و تاریکی شب که هر چیز را به خواب فرومی‌برد، چشمان آنها را باز نهاد

می‌کند؛ پس او در روز، پلک‌ها را بر سیاهی دیده‌های اندازد و شب را چمنان

چراغی برمی‌گزیند تا در پرتو تاریکی آن، روزی خود را جست و جو کند. مردمک

پروردگار، بال‌هایی برای پرواز آنها آفرید، لکن بال‌ها همانند لاله‌های

گوش‌اند؛ بی‌پر و بدون رگ‌های اصلی، اما تو جای رگ‌ها و نشانه‌های آن را ضمیر جدا

راز آفرینش (ترکیب اضافی
(هم خانواده : آفریده ،
آفریدگار ، آفریننده / ببری)
مضارع التزامی) دلایل)
جمع دلیل) / خواهند گفت)
مستقبل) / آفریننده (مشتق و
صفت فاعلی)

جمع دلیل

کوچک و بزرگ تضاد

ترکیب اضافی

ترکیب وصفی

شب را مانند چراغ = تشبیه

نکته مهم : این درس منبع خوبی برای یادگیری آرایه تشبیه است چون تشبیهات زیادی در این درس به کار رفته که می توان پس از یادگیری آن ها نمونه ای شبیه به آنها نیز در نوشته خود به کار برد .

تشبیه: بال ها=مشبه، همانند=ادات، لاله های گوش= مشبه به، بی پر و بدون رگ= وجه شبه



نازک و محکم = در اینجا تضاد هستند.

به خوبی، می‌بینی، بال‌حالی که نه آن قدر نازک هستند که در هم بشکنند و نه چندان محکم که سنگینی کنند. در حالی که فرزندانشان به آنها چسبیده‌اند، پرواز می‌کنند. فرزندان از مادرانشان جدا نمی‌شوند تا آن هنگام که اندامشان نیر و مند شود و بال‌ها، قدرت پرواز کردن پیدا کند و بدانند که راه زندگی کردن کدام است.

اکنون اگر می‌خواهی، در مورد شگفتی آفرینش ملاحظه کن، سخن بگو که خدا برای او دو چشم سرخ و دو حدقه، چونان ماه تابان آفرید، و به او گوش پنهان، و دهانی متناسب اندامش بخشید. ملاحظه کن، حواس نیرومند و دو دندان پیشین دارد که گیاهان را می‌چیند و دو پای داس‌مانند که اشیاء را برمی‌دارد. کشاورزان از ملاحظه‌های ترسند و قدرت دفع آنها را ندارند؛ حتی اگر همه متحد شوند، ملاحظه کن، نیرومندان وارد کشتزار می‌شوند و آنچه میل دارند، می‌خورند؛ در حالی که تمام اندامشان، به اندازه یک انگشت باریک نیست.

به مورچه و کوبلی جز آن بنگر که چگونه عظمت خلقت او با چشم و اندیشه انسان درک نمی‌شود. نگاه کن چگونه روی زمین راه می‌رود و برای به دست آوردن روزی خود تلاش می‌کند. او دانه‌ها را به لایه خود می‌برد و در جایگاه ویژه، نگه می‌دارد و در فصل گرسنگی برای خوراک زمستان می‌کوشد. اگر اندیشه کنی، از آفرینش مورچه دچار شگفتی خواهی شد!

از شگفتی انگیزترین برندگان در آفرینش، طاووس است که خداوند آن را در استوارترین شکل بیافرید؛ با بال‌های زیبا که برحای آن به روی یکدیگر انباشته شده و دم

دو حدقه چونان ماه تابان = تشبیه حدقه: مشبه چونان: ادات ماه: مشبه به

تشبیه

بدن، پیکر

خوراک = خور + اک = غیر ساده، مشتق (وندی)

صفت عالی

نابود کردن

کشتزار = کشت + زار، غیر ساده، مشتق (وندی)

عظمت (بزرگی، هم خانواده: عظماء، عظیم)

فعل آینده سوم شخص مفرد.

کشیده‌اش که آن را چنان چتری گشوده است که طاووس آن را بر سر خود سایبان می‌سازد؛
 کلبی بادبان کشتی است که ناخدا آن را برافراشته است. اگر رنگ‌های پرهای طاووس را
 به روی پندنی‌های زمین تشبیه کنی، خواهی گفت: «دسته گل است که از شکوفه‌های رنگارنگ
 گل‌های بهاری فراهم آمده است»، و اگر آن را با پارچه‌های پوشیدنی همانندسازی،
 چون پارچه‌های زیبای برنقش و نگار است. پرهای طاووس، چنان برگ خزان دیده،
 می‌ریزد و دوباره می‌روید تا دیگر بار شکل و رنگ زیبای
 گذشته خود را بازیابد. اگر در تماشای یکی از پرهای
 طاووس دقت کنی، ملاحظای به سرخی گل، و ملاحظای
 دیگر به سبزی و گاه به زردی زرناب، ملاحظای کنی.
 بر فراز کردن طاووس، به جای یال، کاکلی
 سبز رنگ و برنقش و نگار رویده است. در اطراف
 گردش، گویا چادری سیاه افکنده، پنداری با رنگ سبز
 تندی در هم آمیخته که در کنار شکاف کوشش، جلوه خاصی
 دارد. کمتر دلت می‌توان یافت که طاووس از آن در
 اندامش نداشته باشد.

تشبیه = رنگ های پر طاووس به روی پندنی های زمین.
 تشبیه: پرهای طاووس به دسته گل
 تشبیه: پرهای طاووس به پارچه های پوشیدنی
 تشبیه: پرهای طاووس به برگ خزان دیده. وجه شبه: ریختن و دوباره روییدن

تشبیه: دم طاووس به چتر وجه شبه گشوده شده
 تشبیه: دم طاووس به بادبان کشتی وجه شبه: بر افراشته بودن

تشبیه پر طاووس به گل. وجه شبه سرخ بودن
 جلوه: ظاهر، پیدایی

تشبیه: پرهای طاووس به زر وجه شبه زرد بودن
 یال: موهای بلند روی گردن اسب. در اینجا پرهای گردن طاووس

کاکل: شبیه به تاجی از مو
 در اطراف گردش گویا چادری سیاه افکنده ...
 رنگ تند: رنگ تیره

تاریخ ادبیات: نهج البلاغه مجموعه ی نامه ها و خطبه ها و جملات
 قصار حضرت علی (ع) که سید رضی از علما شیعه آن را گرد آوری
 کرده است.
 کلمه نهج البلاغه ترکیب شده از: نهج به معنی شیوه و راه و
 روش / بلاغه به معنی روان سخن گفتن است.

آرایه تشبیه: گردن طاووس (مشبه) چادری (مشبه به) گویا (ادات تشبیه) سیاه رنگ (وجه شبه)

قالب
شعر: قصیده



صورتگر ماهر

- | | |
|---|-----------------------------------------------------------------------------------|
| ۱ | راستی را، کس نمی‌داند که در فصل بهار
عسل با، حیران شود که خاک تاریک نژد |
| ۲ | از کجا کرده پدیدار، این همه نقش و نگار؟
چون برآید این همه گل‌های تیز کاکار؟ |
| ۳ | چون نرسی کون تا مثل از کجا آمد پدید؟
چون نمایی کون تصاویر از کجا شد آشکار؟ |
| ۴ | برق از شوق که می‌خندد بهین سان قاه قاه؟
ابر از جر که می‌گیرد بهین سان زار زار؟ |
| ۵ | کیست آن صورتگر ماهر که بی‌تقلید غیر
این همه صورت برده بر صفتی به کار؟ |

قائمی شیروزی

خودارزیابی

- ۱ در بیت آخر شعر «صورتگر ماهر» به کدام یک از نام‌های خداوند اشاره شده است؟
- ۲ چه شگفتی‌های دیگری از زندگی مورچه می‌دانید؟
- ۳ چرا خداوند، در قرآن کریم، انسان را به اندیشیدن در شگفتی‌های خلقت دعوت می‌کند؟
- ۴

راستی را کس نمی‌داند که در فصل بهار از کجا گردد پدیدار این همه نقش و نگار؟
راستی را: به راستی پدیدار: آشکار، پیدای، عیان نقش و نگار: تصاویر
رنگارنگ، صورت-های متنوع
به راستی هیچ کس نمی‌داند که در فصل بهار، این همه نقش و نگار زیبا از کجا پیدا
می‌شوند؟
عقل-ها حیران شود، کز خاک تاریک نژند چون برآید این-همه گل-های نغز کام-کار؟
حیران: متحیر، متعجب، سرگشته نژند: تیره، غمگین، اندوهگین، سرد
برآید: می‌روید، رشد می‌کند نغز: خوب، نیکو کامکار: خوش-بخت، (نام
نوعی گل
عقل انسان شگفت زده می‌ماند که چگونه از خاک تیره-ی سرد و بی-روح این همه
گل-های خوب و دل‌پسند (گل کامکار) می‌روید؟

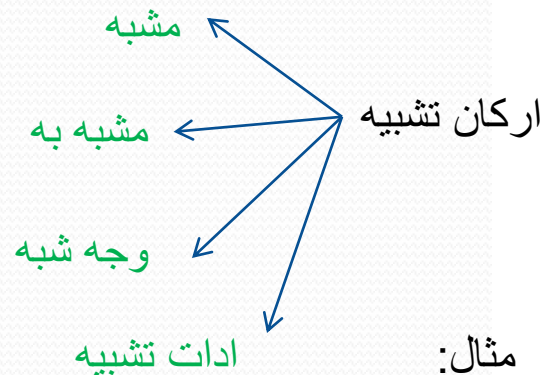
← مراجعه شود به قسمت اعلام کتاب

← صورتگر تلمیح به آیه «هو الله الخالق الباری المصور» سوره حشر آیه ۲۴ (اوست خداوند آفریننده، نوساز و صورتگر)

- چون نپرسی کاین تماثل از کجا آمد پدید؟ چون نجویی کاین تصاویر از کجا شد آشکار؟
- **تماثل: جمع مکسر تماثل** **تمثال: شکل و تصویر، مجسمه**
- چرا از خودت نمی-پرسی که این- همه شکل و تصویر از کجا پیدا و پدیدار می-شود؟
- برق از شوق که می-خندد بدین-سان قاه- قاه ابر از هجر که می-گرید بدین-سان زار زار؟
- آرایه- ی تضاد در: (شوق و هجر/ می-خندد و می-گرید/ قاه- قاه و زار زار)
- آرایه- ی مراعات نظیر در: (ابر- برق / خنده - گریه)
- آرایه- ی تشخیص در: (برق قاه قاه می-خندد / ابر زاز زاز می-گرید)
- برق آسمان از اشتیاق دیدار چه کسی این گونه قهقهه می-زند و ابر از غم دوری چه کسی این گونه زاز می-زند؟
- کیست آن صورتگر ماهر که بی -تقلید غیر این همه صورت برد بر صفحه- ی هستی به کار؟
- **صورتگر: نقاش** **صفحه- ی هستی: ترکیب اضافی(اضافه- ی تشبیهی) عالم هستی به صفحه-**
ی نقاشی تشبیه شده است. **بی -تقلید غیر: بدون پیروی از دیگران**
- **ماهر: زیر دست، چیره دست**
- آن نقاش ماهری که این همه تصاویر تازه و زیبا را بر صفحه- ی هستی به کار بسته است، چه کسی

است؟ آرایه صورتگر تلمیح به آیه «هو الله الخالق الباری المصور» سوره حشر آیه ۲۴ (اوست خداوند آفریننده، نوساز و صورتگر

تشبیه: مانند کردن چیزی به چیز دیگر



مثال:

علم همچون چراغی روشنگر راه ماست.

سخن سودمند مانند باران بهاری روح انسان را طراوت می بخشد.

زندگی چون رودخانه ای فروشان در جریان است.

دانش ادبی ارکان تشبیه

در متن درس، بخشی از شگفتی‌های آفرینش، مانند خفّاش، ملخ، مورچه و طاووس، به دقت توصیف شده است.

بهره‌گیری از حواس پنج‌گانه، ما را در درک بهتر زیبایی‌های آفرینش کمک می‌کند. به نظر شما، در توصیف رنگ‌های پر طاووس، کدام حس، بیش از بقیه به کار آمده است؟ با خوب نگریستن به پدیده‌ها و محیط اطراف خود و تأمل در ویژگی‌های آنها به دانش و آگاهی زیادی دست می‌یابیم. دقت در نگاه کردن و خوب دیدن، یکی از راه‌های تقویت ذهن و توانایی‌های زبان است. برای اینکه توصیف‌ها آسان و دقیق‌تر صورت گیرد، می‌توان از آرایه «تشبیه» استفاده کرد.

در این درس، امام علی علیه السلام برای بهتر شناساندن زیبایی‌های خلقت طاووس، آن را به چیزهای مختلفی تشبیه کرده است: «دُم کشیده طاووس» را به «چتر گشوده» و «بادبان کشتی»، و پرهایش را به «برگ خزان دیده» مانند نموده است.

اکنون دقیق‌تر و گسترده‌تر، موضوع تشبیه را بررسی می‌کنیم:

«پره‌های طاووس، مانند دسته گل پر نقش و نگار، رنگارنگ است.»

با اندکی دقت درمی‌یابیم که این تشبیه، چهار رکن یا قسمت دارد:

- رکن اول (مشبه)، «پره‌های طاووس» است که به چیزی تشبیه شده است.
- رکن دوم (مشبه به)، «دسته گل پر نقش و نگار» است که «پره‌های طاووس» به آن مانند شده است.
- رکن سوم (وجه شبه)، شباهتی است که بین این دو وجود دارد. آیا می‌دانید شباهت آنها در چیست؟
- رکن چهارم (ادوات تشبیه)، واژه‌ای است که شباهت «پره‌های طاووس» را به «دسته گل» برقرار می‌سازد. در مثال بالا، واژه «مانند» این نقش را دارد.

گاهی اوقات، رکن سوم و چهارم حذف می‌شود.

گفت و گو

۱ درباره «شگفتی‌های آسمان»، از منابع مناسب، مطالبی را فراهم آورید و آن را در کلاس بخوانید و درباره آن گفت و گو کنید.

۲ در ابیات زیر، «خفاش» و «طاووس» به عنوان نشانه به کار رفته‌اند؛ درباره مفهوم نمادین هر یک از آنها تحقیق و گفت و گو کنید.

نور خورشید در جهان، فاش است آفت از ضعف چشم خفاش است
طاووس را به نقش و نگاری که هست، خلق تحسین کنند و او خجل از پای زشت خویش
(سنایی)

فعالیت‌های نوشتاری

۱ در متن درس، کلمه‌هایی بیابید که یکی از حروف زیر، در آنها به کار رفته باشد؛ سپس آنها را بنویسید. «ت، ط، ث، س، ص، ق، غ»

۲ ارکان تشبیه را در هر یک از موارد زیر مشخص کنید.

■ ملخ، دو پای داس مانند دارد که با آنها اشیا را برمی‌دارد.

■ مهربان و ساده و بی‌کینه است مثل نوری در دل آینه است

۳ به کمک واژه زیر، یک تشبیه بنویسید، به طوری که همه ارکان تشبیه را دارا باشد.

خورشید:

۴ شاعر در سروده «صورتگر ماهر» به کدام پدیده‌های خلقت اشاره کرده است؟

بین واژه‌ها، فاصله معنی وجود دارد که به آن «فاصله میان واژه‌ای» می‌گویند؛ رعایت نکردن فاصله مناسب بین حروف‌های یک واژه یا واژه‌های یک جمله، در خواندن آنها ابهام ایجاد می‌کند؛ مانند: ■ او هر روزنامه‌ای می‌خواند. ■ او هر روز نامه‌ای می‌خواند.

نور خورشید در جهان فاش است، شعر سنایی، خفاش نماد انسان‌های ناتوان از درک حقایق، آفت از ضعف چشم خفاش است،

شگفت آن است که طاووس را با حسن و زیبایی که دارد به فال بد گیرند. طاووس در ادبیات نماد تظاهر خودفریبی و ریا می‌باشد

اینجا آشپز، خانه دارد.

اینجا آشپز خانه، دارد.

ما همه، کارمی‌کنیم تا بتوانیم زندگی سعادت‌مندی داشته باشیم

ما، همه کارمی‌کنیم تا بتوانیم زندگی سعادت‌مندی داشته باشیم